

حرمت خودکشی علل و عواقب آن

اکبر اسد علیزاده



نهاده است به حدی که بطور متوسط سالانه ۳۲۱۶ نفر اقدام به این عمل پلید و حرام می‌کنند که به طور تقریبی در سال، از هر صد هزار نفر، شش نفر اقدام به خودکشی می‌کنند، و ۶۲ درصد از کسانی که دست به چنین کاری می‌زنند می‌میرند.^۱

حال این سؤال مطرح است که:

از نظر اسلام خودکشی چه حکمی دارد؟ و علل و عواقب آن چیست؟

در پاسخ به این پرسش ابتدا لازم

یکی از ناهنجاریهای اجتماعی که در طول تاریخ دامنگیر جامعه بشری، بخصوص جهان غرب بوده، مسئله خودکشی است. طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه بیش از پنج میلیون نفر در جهان اقدام به خودکشی می‌کنند که تقریباً پانصد هزار مورد آن منجر به مرگ می‌شود. هرچند طبق آمار، خودکشی در ایران به مراتب نسبت به سایر کشورهای جهان کمتر است، و در میان ۴۹ کشور، رتبه چهل و سوم را در مورد نرخ خودکشی به خود اختصاص داده است؛ اما متأسفانه در سالهای اخیر این آمار رو به افزایش

۱. ر.ک: مجله کتاب زنان، سال پنجم، شماره ۱۹،

در حقیقت این خود یکی از راههای رسیدن به کمال، بلکه بهترین و عالی ترین آن است.

حرمت خودکشی در اسلام

خودکشی در فرهنگ اسلامی به معنای عقب نشینی از نیل به غایت کمال و سقوط به وادی حسرت و ناکامی است.

بدین جهت این عمل از نظر اسلام حرام و محکوم است. چنانکه در قرآن کریم می فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا، وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُضَلِّبُهُ نَارًا»^۱ «و خودکشی نکنید! خداوند نسبت به شما مهربان است. و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم کرد.»

کلمه «الْأَنْفُسُ» صیغه نهی است و دلالت بر وجوب ترک عمل دارد.

روایات متعددی نیز درباره مذمت خودکشی وارد شده است. در این روایات، صاحبان این عمل اهل جهنم قلمداد شده و بهشت برای آنها

است به این نکته اشاره کنیم که: حیات آدمی اولین و عظیم ترین نعمتی است که خداوند آن را برای رسیدن به تکامل و صعود به قله های رفیع و عالی معنوی به انسان عطا فرموده است. از این رو نه تنها دیگران نمی توانند صدمه ای به این نعمت الهی وارد سازند، بلکه خود شخص نیز به هیچ عنوان حق ندارد آن را از بین ببرد و بر وی واجب است پیوسته از جان خویش پاسداری و محافظت کند. مالک اصلی انسان خداوند متعال است و نفس انسانی امانت الهی است؛ از این رو باید از این امانت خوب محافظت کرد و از بین بردن آن خیانت در امانت الهی است.

البته فقط در راه خدا می توان جان خویش را فدا نمود. چون حفظ دین الهی و ارزشهای والای دینی - که همان راه خداوند است - از جان انسان بالاتر، ارزشمندتر و مهمتر است. لذا سید و سالار شهیدان و سرور آزادگان حضرت امام حسین علیه السلام و دیگر شهدای راه خدا، جان خویش را تقدیم نمودند.

شدت خونریزی مُرد، پس خداوند فرمود: بنده‌ام، در گرفتن جان خود بر من پیشی گرفت... هر آینه بهشت را بر او حرام کردم.»

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَيِّتَلَى بِكُلِّ بَلِيَّةٍ وَيَمُوتُ بِكُلِّ مَيْتَةٍ إِلَّا أَنَّهُ لَا يُقْتَلُ

حرام شمرده شده است. در ذیل به چند نمونه از روایات اشاره می‌کنیم:

۱. اُبی ولّاد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ مُتَعَمِّدًا فَهُوَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا؛ هر کس عمداً خودکشی بکند، همیشه در آتش دوزخ خواهد بود.»

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ الدُّنْيَا عَدَبَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ کسی که بوسیله چیزی از دنیا خودکشی کند، در روز قیامت بوسیله همان چیز عذاب خواهد شد.»

و در روایت دیگر می‌فرماید: «الَّذِي يَخْتُقُّ نَفْسَهُ يَخْتُقُّهَا فِي النَّارِ، وَالَّذِي يَطْعَنُهَا فِي النَّارِ؛ کسی که خودش را خفه کند، خویشتن را در آتش (دوزخ) خفه کرده است و کسی که به خودش نیزه زند، در آتش باشد.»

و نیز فرمود: «كَانَ فِيمَنْ قَبْلَكُمْ رَجُلٌ بِهِ جَرَحٌ فَجَزَعَهُ فَأَخَذَ سِكِّينًا فَحَزَّ بِهَا يَدَهُ فَمَا رَأَى الدَّمَ حَتَّى مَاتَ، فَقَالَ اللَّهُ: يَا دَرَنِي عَبْدِي بِنَفْسِهِ؟! ... قَدْ حَرَمْتُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ؛^۴ میان انسانهای پیش از شما، مردی جراحی داشت و از شدت بی‌تابی کاردی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از

۱. شیخ اُبی یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، الطبعة الثالثة، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۷ هـ ج ۷، ص ۴۵، باب من لا تجوز وصيته من البالغين، ح ۱؛ شیخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، الطبعة الثانية، جامعة المدرسين، ۱۴۰۴ هـ ج ۳، ص ۵۷۱، ح ۴۹۵۳.

۲. عبدالله بن بهرام دارمی (م ۲۵۵ هـ)، سنن الدارمی، الطبعة الاعتدال، دمشق، ج ۲، ص ۱۹۲، باب التشديد على من قتل نفسه؛ متقی هندی، کنز العمال، الطبعة الخامسة، مؤسسة الرسول، بیروت، ۱۴۰۵ هـ ج ۱۵، ص ۳۶، ح ۳۹۹۶۵.

۳. کنز العمال، ج ۱۵، ح ۳۹۹۶۱، ص ۳۵.

۴. الترغیب و الترهیب، الطبعة الثالثة، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۳۸۸ هـ ج ۳، ص ۳۰۱، ح ۴. در روایتی نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «وَأَنَّ مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ الدُّنْيَا وَأَنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَفْسٌ مُسَلِّمَةٌ؛ همانا کسی که بوسیله چیزی خودش را بکشد، در آتش دوزخ معذب شود و در بهشت کسی جز مسلمان وارد نمی‌شود.» از فحوای این روایت استفاده می‌شود که کسی که خودکشی می‌کند مسلمان نیست. صحیح مسلم بشرح النووی (م ۶۷۶ هـ)، المجلدات ۱۸، الطبعة الثانية، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ هـ ج ۲، ص ۱۱۸.

نَفْسُهُ؛^۱ مؤمن ممکن است به هر بلانی مبتلا شود و به هر نوع مرگ بمیرد، اما خودکشی نمی‌کند.»

۴. عمرو بن عبید بصری می‌گوید: «در یکی از جلسات امام صادق علیه السلام شرکت نمودم، پس از ورود و عرض ادب، شروع به خواندن این آیه نمودم که: «وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْأَثْمِ»؛^۲ «آنانکه از گناهان کبیره پرهیز می‌کنند.» بعد از خواندن این آیه لحظه‌ای سکوت کردم. امام صادق علیه السلام فرمود: عمرو چرا سکوت کردی؟ عرض کردم: ای پسر رسول خدا! گناهان کبیره را برایم مشخص کنید. حضرت فرمود: ای عمرو! بزرگترین گناهان چند قسم است:

- الف. شریک قائل شدن برای خداوند؛
 - ب. ناامیدی از خداوند متعال؛
 - ج. عاق والدین؛
 - د. کشتن نفسی که خداوند آن را حرام کرده است.^۳
- در این روایت «نفس» مطلق است؛ هم شامل خودکشی و هم کشتن دیگران می‌گردد.

از مجموع آیات و روایات گذشته

استفاده می‌شود که خودکشی از نظر اسلام از گناهان کبیره محسوب می‌شود، انجام آن حرام می‌باشد، و مرتکبین آن اهل دوزخ‌اند. حتی برخی از گروه‌های اهل سنت مانند حنبلیها کسی را که خودکشی می‌کند کافر دانسته و نماز میت را برای او واجب نمی‌دانند.^۴ آنها در این باره به این حدیث استدلال می‌کنند که: «إِنَّ رَجُلًا قَتَلَ نَفْسَهُ بِمَشَاقِصٍ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَنَا أَنَا فَلَا أَصَلِّي عَلَيْهِ»؛^۵ مردی با نیزه خودکشی کرد و رسول خدا فرمود: من بر این شخص نماز نمی‌خوانم.»

علل خودکشی

در منابع دینی و تجربی علل و

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، الطبعة الثانية، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم، ۱۴۱۴ هـ ج ۲۹، ص ۲۴۰، باب تحریم قتل الانسان نفسه، ح ۳.
۲. شوری/۳۷.
۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۳، ح ۴۹۳۲.
۴. ر.ک: المغنی، عبدالله بن قدامه، تحقیق جماعة من العلماء (المجلدات - ۱۲)، دارالکتب العربی، بیروت، ج ۲، ص ۴۱۸؛ المجموع فی شرح المهدب، محیی الدین بن نووی (المجلدات - ۲۰)، دارالفکر، بیروت، ج ۵، ص ۲۶۸.
۵. أحمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی (المجلدات - ۸)، الطبعة الاولى، دارالفکر، بیروت، ۱۳۴۸ هـ ج ۴، ص ۶۶.

عوامل بسیاری در سطوح مختلف فردی، اجتماعی و خانوادگی، برای خودکشی مطرح شده است، تا آنجا که نزدیک به ۵۰ علت و انگیزه برای ارتکاب این عمل بر شمرده‌اند. برخی از این علتها عبارت است از: احساس پوچی، اعتیاد، شهوت‌رانی و عشق بازی، زنا، شرابخواری، قماربازی، بی‌صبری در برابر مشکلات زندگی و بلاها، غرور، حسادت، خیانت، خشم و غضب و لجاجت، ترس از کیفر، ارتکاب جرم، ندامت و سرزنش وجدان، خیانت همسر یا معشوقه به شوهر، ازدواج اجباری، اختلافهای خانوادگی، بارداری نامشروع، دل‌تنگیهای خانوادگی، ورشکستگی مالی و روحی، عشق به پول و ثروت (دنیاپرستی و دنیاطلبی)، فقر مالی، عدم اعتماد به نفس در مبارزه با مشکلات، انتقام‌جویی، حب مقام، بیماریهای صعب‌العلاج و غیرقابل تحمل، علیلی و ناتوانی، بیماریهای روانی مانند افسردگی و جنون ادواری، طلاق و شکست در زندگی و عدم موفقیت در تشکیل خانواده،

اختلالات روانی و شخصیتی والدین و تأثیر آن بر فرزندان، اعتیاد یکی از والدین یا هر دو، بدآموزیهای وسایل ارتباط جمعی، فقر فرهنگی و معنوی و اخلاقی، یأس و ناامیدی نسبت به آینده، شهر نشینی و اضطرابهای ناشی از آن، افزایش انحرافات اجتماعی، بی‌عدالتیهای اجتماعی و شکاف طبقاتی، بیزاری از زندگی، مشکلات خانوادگی و...^۱

با دقت نظر می‌توان تمام این علل را در چهار علت اساسی زیر خلاصه کرد:

۱. ضعف ایمان و اعتقاد دینی:

علتهایی چون احساس پوچی، یأس و ناامیدی نسبت به آینده و بن‌بست فکری، بی‌صبری و امثال اینها، ناشی از ضعف اعتقاد و نداشتن

۱. ر.ک: مبانی جرم‌شناسی، مهدی کی‌نیا، چاپ پنجم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۴۰-۴۵۰؛ انحراف اجتماعی، انگیزه‌ها و علل خودکشی، منوچهر محسنی، تهران، نشر مروی، ۱۳۶۶؛ خودکشی، پیدایش، علل و درمان، پیرمورن، برگردان: مازیار سهند، تهران، رسام ۱۳۶۶؛ مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ریمون آرون، برگردان: باقر پرهام، چاپ دوم، ۱۳۷۵، آموزش انقلاب اسلامی، ص ۳۶۵-۳۷۳.

خوشحالی می‌کند، ولی نمی‌داند که آن اعمال به ضرر اوست، یا بالعکس، از برخی چیزها ناراحت و غمگین می‌شود و احساس بدی نسبت به آنها دارد و آن را شر و بدبختی می‌داند، در حالی که ممکن است همانها خیر و صلاحش باشند.^۵ طبق بیان امام

شناخت کافی از خداوند متعال و عدم شناخت جایگاه انسان و فلسفه آفرینش اوست. اگر کسی ایمان عمیق و اعتقاد جازم به خداوند داشته باشد، و بداند که خدا جهان هستی و بخصوص انسان را که اشرف مخلوقات این عالم است، هدفمند و غایتمند آفریده، هیچ‌گاه احساس پوچی و یأس و ناامیدی بر زندگی وی سایه نمی‌افکند.

و اگر به قدرت مطلقه خداوند باور داشته باشد و بداند که همه چیز در برابر قدرت او ناتوان و هیچ است، در هنگام بروز مشکلات به خدا تکیه می‌کند، و با توکل به خداوند^۱ و دعا به درگاه باری تعالی^۲ و با یاد و نام او که آرامبخش دلهاست^۳، می‌تواند مشکلات را یکی پس از دیگری پشت سر بگذارد و موجبات آرامش روحی و قوت قلب و عزت نفس را فراهم سازد. باید توجه داشت که انسان واقعاً عاجز از دانستن فلسفه پیش آمدها و ناملایمات زندگی است؛ چرا که علم انسان در برابر این کارها خیلی ناچیز و کم است.^۴ خیلی از کارها به نظر انسان خوب است و از آنها احساس

۱. ﴿مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ...﴾؛ «هر کس بر

خدا توکل کند، او برای وی بس است.»

۲. ﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾؛ «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.» (غافر/۶۰).

۳. ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾؛ «همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد، آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.» (رعد/۲۸).

۴. ﴿وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾؛ «از دانش جز اندکی به شما داده نشده است.» (اسراء/۸۵) مفهوم آیه این است که مبادا با این دانش محدود و ناچیز خود، بخواهید درباره همه چیز و همه ناگواریهای زندگی قضاوت کنید. چون در امور الهی اسراری است که شما با این علم اندک نمی‌توانید به فلسفه آن دست یابید.

۵. ﴿عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛ «چه بسا از چیزی اکراه داشته باشید در حالی که خیر شما در آن است یا چیزی را دوست بدارید، در حالی که بدی شما در آن است و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.» (بقره/۲۱۶) و در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾؛ «چه بسا از چیزی کراهت دارید و خداوند در آن نیکی فراوان قرار داده است.»

امیرالمؤمنین علیه السلام خداوند کارها را مطابق مقتضای مصالح جاری می‌کند، نه بر طبق میل و رضایت انسان.^۱

در واقع نیکبها و بدیهای زندگی و خیر و شرّی که انسان در زندگی خود با آنها مواجه می‌شود، امتحان الهی یا کفاره گناهان است.^۲ بنابراین لازم است انسان در برابر مصیبتها و مشکلات صبور باشد.^۳ در غیر این صورت منجر به کفر، جنون یا خودکشی می‌گردد.

۲. ضعف معنویت و اخلاق دینی:

بسیاری از عوامل خودکشی مانند: حسادت، کینه‌توزی، لجاجت، خشم و غضب، خیانت، غرور، زنا، شرابخواری، قماربازی، حب مقام، انتقام جویی، بارداری نامشروع، ازدواجهای اجباری و امثال اینها ناشی از ضعف معنویت و رعایت نکردن مسائل اخلاقی و دینی است. در فرهنگ اسلامی طبق بیان آیات و روایات تمام اعمال انسان بخصوص گناهان کبیره دارای آثار و پیامدهایی است، و به اصطلاح اثر وضعی دارد، به همین جهت در اسلام از انجام گناه و کارهای خلاف اخلاق به شدت نهی شده است.

۳. توجه بیش از حد به خواسته‌های

حیوانی:

شهوت‌رانی افراطی و عشق‌بازی نامشروع، عشق به مال و ثروت (دنیاطلبی و دنیا دوستی) و... خواسته‌های حیوانی هستند و از عوامل خودکشی می‌باشند.

۴. عوارض طبیعی:

مانند جنون و اختلالات روانی، ترس از کیفر، بیماریهای صعب‌العلاج، نقیصه‌هایی در ساختمان جمجمه، ضایعات قلبی و کبدی، صرع و....

آثار و عواقب خودکشی

خودکشی به سان ناهنجاریهای دیگر جامعه، دارای عواقب و پیامدهای سخت فردی و اجتماعی است. کسانی که خودکشی می‌کنند، اگر

یعنی محدودیت علم شما در بسیاری از موارد مانع تشخیص خیر و شر است، بنابراین نمی‌توان تنها به ظاهر حوادث نگاه کرد و قضاوت نمود.

۱. امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سَخِيحٌ بَجِرِي الْأَمْرِ عَلَيَّ مَا يَفْتَضِيهِ لِأَعْلَىٰ مَا تَرْتَضِيهِ.»

(غرر الحکم و دررالکلم، فصل ۹، ح ۵۶)

۲. «وَتَلَبَّوْا كُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ»؛ «و شما را با بدیها و خوبیها آزمایش می‌کنیم.» (انبیاء/۳۵).

۳. «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»؛ «کسانی که هرگاه مصیبتی بر ایشان می‌رسد، می‌گویند: ما از آن خدایم و به سوی او باز می‌گردیم.» (بقره/۱۵۶).

در دست به آتش جهنم انداخته می‌شود و در آن بطور دائم خواهد سوخت، و کسی که خود را با پرت کردن از کوه به قتل برساند، پس به آتش جهنم پرت می‌شود و در آن تا ابد خواهد ماند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت دیگری می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِسَمٍّ، عُدَّ بِهٖ؛^۲ کسی که با خوردن سم خودکشی کند، با همان سم معذب خواهد شد.»

و نیز می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ أَوْ ذَبِيحٍ، ذَبَحَهُ اللهُ بِهٖ فِي نَارِ جَهَنَّمَ؛^۳ کسی که با چیزی یا ذبیح خود، خودکشی کند، خداوند بوسیله همان چیز او را در

عمل آنها باعث مرگشان شود، هرچند ممکن است ظاهراً از رنج و درد و مشکلات دنیا آزاد شوند، اما بنا به اعتقادات دینی به عذابهای سخت و دردناک گرفتار می‌گردند؛ و از زمره کسانی می‌شوند که بطور دائم در آتش بسیار سخت جهنم می‌سوزند. علاوه بر روایات گذشته در بحث حرمت خودکشی، روایات فراوان دیگری نیز درباره آثار شوم این عمل وارد شده است که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسَهُ بِحَدِيدَةٍ فَحَدِيدَتُهُ فِي يَدِهِ يُجَاءُ بِهَا فِي بَطْنِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا مُخَلَّدًا أَبَدًا، وَمَنْ شَرِبَ سَمًا وَقَتَلَ نَفْسَهُ، فَسَمُّهُ فِي يَدِهِ يَتَحَسَّاهُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا، وَمَنْ تَرَدَّى مِنْ جَبَلٍ، فَتَقَتَلَ نَفْسَهُ فَهُوَ يَتَرَدَّى فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا مُخَلَّدًا أَبَدًا؛^۱ کسی که بوسیله آهن خودکشی کند پس آهن پاره بدست که (قسمتی از آن) به شکمش فرو رفته آورده می‌شود، و وارد آتش جهنم می‌گردد. و در آن بطور ابد و همیشگی خواهد سوخت، و کسی که با خوردن سم خودکشی کند، پس سم

۱. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ هـ)، دارالفکر، بیروت، ج ۱، ص ۷۲؛ المحلی، ابن حزم آندلسی (م ۴۵۶ هـ)، تحقیق أحمد محمدشاکر، دارالفکر، بیروت (المجلدات ۱۱)، ج ۱۱، ص ۲۸؛ نیل الاوطار من احادیث سید الاخیار، محمد بن علی بن محمد شوکانی (م ۱۲۵۵ هـ)، دارالجیل، بیروت (المجلدات ۹)، ج ۷، ص ۱۹۸.

۲. المعجم الکبیر، سلیمان بن أحمد بن ایوب طبرانی (م ۳۶۰ هـ)، تحقیق حمدی عبدالمجید اسلفی، (المجلدات ۲۵)، الطبعة الثانية، داراحیاء التراث العربی، القاهرة، ج ۲، ص ۷۲.

۳. المسند، أحمد بن حنبل (م ۲۴۱ هـ)، دارالصادر، بیروت، (المجلدات ۶)، ج ۴، ص ۳۴.

آتش جهنم ذبح خواهد کرد.»

ابوسعید خدری می‌گوید: ما در جنگها و غزوات به صورت کاروانهای نوزده نفری بیرون می‌رفتیم و کارها را در میان خود تقسیم می‌کردیم. یکی در چادر می‌ماند، یکی برای یارانش کار می‌کرد؛ غذایشان را درست می‌نمود و شترانشان را آب می‌داد. عده‌ای هم پیش پیامبر ﷺ می‌رفتند. اتفاقاً در کاروان ما مردی بود که کار سه نفر را انجام می‌داد؛ هم هیزم جمع می‌کرد، هم آب می‌آورد و هم غذا پخت می‌کرد. این موضوع، به عرض پیامبر اکرم ﷺ رسید. حضرت فرمودند: «ذَلِكَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ النَّارِ؛ او اهل دوزخ است.» ما تعجب کردیم. وقتی که با دشمن روبرو شدیم و به جنگ پرداختیم، آن مرد مجروح شد، تیری برداشت و خودش را با آن کشت. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «گواهی می‌دهم که من رسول خدا و بنده او هستم.»^۱ از این روایت بدست می‌آید که یکی از آثار بسیار سنگین و خسارت بار خودکشی، از بین رفتن اعمال نیک انسان است. جهاد در راه خدا، آن هم

در رکاب رسول خدا ﷺ، ثواب بی‌حد و حصری دارد، اما خودکشی آن مرد باعث شد که آن همه ثواب محو شود و او اهل دوزخ گردد.

یکی دیگر از پیامدهای خودکشی این است که باعث سرافکنندگی و شرمندگی خانواده‌ها در جامعه و در میان اقوام می‌گردد، و چه بسا سبب اختلاف و زد و خورد، طلاق و از هم پاشیده شدن خانواده‌ها و حتی ممکن است به قتل و خودکشی دیگری منجر شود.

از آثار دیگر خودکشی این است که این عمل باعث افزایش ناهنجاریها و انحرافات جامعه می‌شود. هر قدر خودکشی بیشتر شود، نابسامانیهای اجتماعی نیز بیشتر می‌گردد. خودکشی جوانان باعث از بین رفتن سرمایه‌های انسانی جامعه است. و خودکشی پدر و مادر سبب افزایش تعداد افراد بی‌سرپرست در جامعه بوده، در نتیجه موجب بالارفتن نرخ انحرافها و بزهکاریها در جامعه می‌گردد.

۱. الخرائج والجوارح، قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ هـ)، الطبعة الاولى، مؤسسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۹ هـ ج ۱، ص ۶۱، ح ۱۰۴.